گفت‌وگو با نزهت امیری

بار سنگینِ زن بودن بر دوش یک رهبر ارکستر

«خیلی سخت است که آدم هنرمند باشد و جدای از مسئولیت‌های دشوار اصالتِ هنری، زن هم باشد؛ در شرایطی که برخی ارزش‌ها در جایگاه درست خودشان قرار ندارند، این مساله مدام بار سنگینی بر دوش شما می‌گذارد.»

جملات بالا بخشی از اظهارات نزهت امیری، رهبر ارکستر است که در گفت‌وگو با ایسنا مطرح می‌شود.

این بانو که به‌عنوان تنها رهبر ارکستر زن در ایران شناخته می‌شود، در پاسخ به این سوال که در ایام همه‌گیری ویروس کرونا مشغول انجام چه کاری بوده است، اظهار کرد: «در ایام کرونا در سال گذشته و در ۱۰ مرداد ماه یک اجرا با ارکستر بانوان سرزمین مادری داشتم که در فضای باز تالار وحدت اجرا کردیم. از طرفی در حال آماده سازی یک آلبوم هستم که در مرحله مجوز است و من به‌عنوان ناظر حضور داشتم و بیشتر وقتم را در ایام کرونا گرفت. پنج مجلد از کتاب‌های کودک من نیز دو روز پیش از اجرا، بالاخره پس از سال‌ها تجربه، کار، نگارش و ویرایش، منتشر شد.»

امیری که به تازگی رهبری «ارکستر سرزمین مادری» را به صورت حضوری در تالار وحدت عهده دار بود، درباره از سر گرفته شدن اجراهای حضوری پس از دو سال شیوع کرونا، گفت: «ما از اولین اجراها به همراه تماشاگر بودیم. همیشه کارهای سخت را بر عهده آدم‌هایی می‌گذارند که اهلش هستند؛ شاید به همین دلیل ما را انتخاب کردند. بانویی روز گذشته پیامی به من دادند و گفتند، خانم امیری من دوستی در فرانسه دارم که معتقدند نه تنها شما در ایران اولین بانویی هستید که ارکستر را روی صحنه بردید بلکه در جهان هم پس از شیوع کرونا هنوز بانوان دیگر، کاری را روی صحنه نبرده‌اند.»

او ادامه داد: «واقعا ما افتخار می‌کنیم به اینکه علی‌رغم مشکلات، تلاشمان برای مقابله است؛ چون زندگی باید علی‌رغم مشکلات عدیده‌ای که شاید کسی راه‌حلی هم برای آن‌ها ندارد، از سر گرفته شود. علی‌رغم عزیزانی که در این مدت از دست داده‌ایم و واقعا افق روشنی هم نمی‌بینیم اما نمی‌شود تلاش نکرد.»

این هنرمند همچنین در پاسخ به این پرسش ایسنا که آیا می‌تواند زن هنرمندی را به‌عنوان جایگزین خود معرفی کند و اینکه در فکر انتقال تجارب خود به دیگر هنرمندان زن ایرانی هست؟ اظهار کرد: «من در این راستا اصلا خودم را لیدر نمی‌دانم. من یکی از افرادی هستم که در این عرصه فعالیت کردم و امکان یافتم بعد از گلنوش (خالقی) عزیز که نتوانست در کشور خودش کارهای روح الله خالقی بزرگ را اجرا کند، این کارها را روی صحنه ببرم. حقیقتش خیلی اطلاعی ندارم از اینکه چه اتفاقاتی می‌افتد اما تا زمانی که به صورت بنیادین بسترها آماده نشود، نمی‌توان امید داشت که مثلا دانشجویانی در یک رشته، زیر نظر استاد پرورش پیدا کنند. اما مطمئن باشید همانطور که من با تلاش از دل این کویر بیرون آمدم، مطمئنم هر چقدر که سخت هم باشد انسان‌هایی که شیفته هنر باشند و آرمان‌های بزرگی دارند، راه را پیدا خواهند کرد.»

گفت‌وگویی درباره «تاریخ تحلیلی شعر نو»

کتاب شمس لنگرودی در گذر زمان

محمد شمس لنگرودی کتاب «تاریخ تحلیلی شعر نو» را پاسخی به سوالاتش توصیف می‌کند و البته درخصوص استفاده از مطالب این کتاب بدون ذکر منبع نیز می‌گوید ضرر ندارد مآخذ را بنویسند.

این شاعر و پژوهشگر که به‌تازگی در صفحه خود پستی را با مضمون چاپ هشتم مجموعه چهارجلدی «تاریخ تحلیلی شعر نو» منتشر کرده، در گفت‌وگو با ایسنا از نحوه تولد این کتاب و همچنین امکان خلقش در زمان حال می‌گوید.

این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

با توجه به این‌که چندین سال از زمان چاپ اولیه کتاب «تاریخ تحلیلی شعر نو» می‌گذرد، هنگامی‌که دوباره به آن نگاه می‌کنید، نقدی نسبت به خودتان و رویکردی که در ابتدا برای آن داشتید، دارید؟ و اگر بنا بود «تاریخ تحلیلی شعر نو» را در سال ۱۴۰۰ بنویسید، آیا آن را طور دیگری می‌نوشتید؟

به گمانم کم پیش می‌آید نویسنده‌ای بعد از چند سال احساس نکند که کتابش نیاز به بازبینی دارد. اما انگیزه‌هایی هم برای بازبینی لازم است. مهم‌ترین آن‌ها این است که هنوز مشغله نویسنده همان باشد.

اما برای من نوشتن این کتاب یافتن پاسخ به مقداری سوالات خودم بود. و چون آن پاسخ‌ها را گرفته بودم، تقریبا دیگر به کتابم مراجعه نکردم.

بویژه این‌که پاسخ‌ها در حافظه من بود. برای همین هم هرگز نگاه انتقادی به آن‌ها نداشتم؛ چون نویسنده برای نگاه انتقادی به کتابش، باید مشغله‌اش را داشته باشد و بداند که این بازبینی در کجای کتاب و چه تاثیری دارد.

بنابراین در تجدید چاپ‌هایی که از «تاریخ تحلیلی شعر نو» منتشر شده، اصلاحی بر روی نسخه اولیه صورت نگرفته است؟

فکر می‌کنم فقط در چاپ دوم بوده که من یک کتاب جدید پیدا کرده بودم و آن زمان به کتابم اضافه کردم.

بعد از آن، نه کتاب جدیدی پیدا کردم که پیش‌تر ندیده باشم و نه مشغله‌ام این بود که کتاب نایافته‌ای را بیابم. به جز این مورد، تجدید چاپ‌ها همان ویراست نخست است.

فضای کاری و هنری دورانی که به سراغ نوشتن «تاریخ تحلیلی شعر نو» رفتید، چقدر در نوشتن کتاب تاثیرگذار بود؟

سوال خوبی است. هر کتاب تاریخی و تحلیلی که نوشته می‌شود، به نوعی تحلیل زمان خود نویسنده هم هست. یعنی از صافی روزگار نویسنده هم عبور می‌کند.

به طوری که در دهه ۵۰ شمسی، کتاب‌هایی که درباره عرفایی مثل حلاج هم نوشته می‌شد، نگاهی مارکسیستی در پشت خود داشت.

حتی یکی از نویسندگان طوری منصور حلاج را بررسی کرده بود که انگار حلاج مارکسیست بوده؛ برای این‌که دوره اعتلای این نوع افکار بود و به قول معروف گفتمان مسلط این طرز تفکر بود.

در نوشتن هر کتابی دوره تاریخی نویسنده نمود پیدا می‌کند.

بنابراین آن سال‌هایی که من این کتاب را می‌نوشتم قطعا در لحن، تحلیل و دیدگاه من تاثیر گذاشته.

درمورد فضای سیاسی و اجتماعی آن دوران هم همین‌طور بود؟

حتما. حرف من به این معنی است که اگر من با همان سن امروز آن کتاب را می‌نوشتم، حتما لحن و تحلیل من فرق داشت. برای این‌که اساسا نگاه و تحلیل مسلط این روزگار فرق می‌کند.

در پایان نکته‌ای درخصوص چاپ و انتشار این کتاب هست که بخواهید بفرمایید؟

نکته این‌که ضرر ندارد دوستانی که در کتاب‌ها و مقاله‌های‌شان از کتاب تاریخ تحلیلی شعر نو استفاده می‌کنند بگویند از کجا برداشته‌اند. برای خودشان می‌گویم. شاید ارجاعات من اشتباه یا غلط بوده باشد که در مضیقه نیفتند. مثلا من مطلبی را از مجله «جهان نو» که در دهه ۱۳۲۰ منتشر شده بود، در کتابم آورده‌ام. دیدم فردی عین این نقل قول را از کتابم برداشته و زیر آن نوشته: «جهان نو»! در حالی که من چند کلمه غیر مرتبط با منظورم را از متن حذف کرده بودم.

به هر حال ضرر ندارد مآخذ را بنویسند.

رئیس سازمان سینمایی مطرح کرد

درخواست هزار میلیارد تومان تسهیلات برای توسعه زیرساخت‌های سینمایی کشور

به منظور بررسی راهکارهای دستیابی کمک و حمایت از اقتصاد هنر و سینمای ایران نشست مشترکی میان مسئولان فرهنگی و سینمایی با محمدرضا پورابراهیمی رییس کمیسیون اقتصادی و اعضای کمیسیون، رئیس کمیسیون بودجه مجلس، معاون سازان برنامه و بودجه، معاون وزارت تعاون و کار و امور اجتماعی، معاون بانک مرکزی، مدیرعامل بانک کارآفرین، و ... برگزار شد. در این نشست دکتر اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمد خزاعی معاون وزیر و رئیس سازمان سینمایی، سید محمود اسلامی معاونت توسعه مدیریت و منابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سید محمد هاشمیمعاون حقوقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ و از سینماگران: منوچهر شاهسواری، غلامرضا موسوی، سیدضیاء هاشمی، سیدجمال ساداتیان، و محمدیاشار نادری مدیرعامل بنیاد روایت حضور داشتند.

به گزارش اداره کل روابط عمومی سازمان سینمایی کشور، محمد خزاعی در خصوص این نشست مشترک گفت: در این جلسه به بررسی راهکارهای دستیابی حمایت از اقتصاد سینمای ایران پرداخته شد و گزارشی از فعالیت های جاری، برنامه‌های آتی، مشکلات و کمبودها ارائه کردیم و به مسائل مهم و مباحث کلان اقتصاد سینما پرداخته شد.

وی ادامه داد: البته پیش از این نیز، نشست های مشترک و جلسات متعددی برای برنامه ریزی، زمینه سازی و بررسی اختصاص تسهیلات به سینمای ایران در سطوح دیگر برگزار شده بود که فرایندهای مطالعاتی مطلوب و خوبی شکل گرفت.

رئیس سازمان سینمای کشور، با بیان اینکه اقتصاد سینما بسیار ضعیف و شکننده است، تصریح کرد: قطعا، یکی از مهم ترین اولویت ها و محورهای فعالیت و سیاستگذاری سینمایی ترسیم وضعیت، چالش ها، نیازسنجی، ظرفیت شناسی و تعریف و شناسایی منابع و امکانات برای پویایی سینما و رونق و تقویت آن در سطوح مختلف است. به گفته وی، بدون تردید، با عزم و نگاه ملی و عدالت محورانه ای که هم در دولت و هم در مجلس شاهد بودم به وضعیت آینده سینما و بهبود و روند رشد آن خوش بین هستم. این گونه نشست ها و کارگروه های تخصصی و موضوعی کمک می‌کند تا چالش ها، راه حل ها و ساز و کارهای گوناگون شناسایی بررسی و عملیاتی کنیم.

وی افزود: در جمع برنامه ریزان اقتصادی گزارش و چشم اندازی از وضعیت زیرساخت های سینمای کشور و همچنین، مقایسه ای با صنعت سینماسازی در جهان و کشورهای منطقه ارائه دادم و جایگاهی که ما قرار داریم اصلا قابل مقایسه با این کشورها نیست.

وی اضافه کرد: کشور ما با این غنای محتوایی و نیروی انسانی ارزشمند در عرصه هنر و سینما متاسفانه به لحاظ زیرساخت بسیار ضعیف است. اگر بخواهیم در چشم انداز آینده سینمای منطقه در محاق قرار نگیریم ناچاریم برغم همه مشکلاتی که داریم – هم، در زمینه تقویت منابع برای امور رفاهی و معیشتی سینماگران و هم در زمینه توسعه سالن ها و ظرفیت های زیرساختی گام های اساسی بر داشته شود. وی با اشاره به خانواده ۱۰ هزار نفری سینمای ایران در تهران و شهرستان‌ها تاکید کرد: این ظرفیت انسانی سرمایه غنی فرهنگی و اجتماعی به شمار می‌آیند و باید برنامه ریزی پایداری برای بهره‌گیری از این پتانسیل بالقوه صورت گیرد. رئیس سازمان سینمایی عنوان کرد: خوشبختانه این همت و عزم راسخ در مدیران حوزه فرهنگ و هنر و سینما بویژه آقای دکتر اسماعیلی وزیر محترم و همکارانش وجود دارد. باید کمک کنیم با همگرایی و هم افزایی یک دوره طلایی برای سینمای ایران رقم بخورد.

به گفته وی، تشریح وضعیت بغرنج سینما از لحاظ اقتصادی و فقدان منابع و اعتبارات مهم ترین محور و موضوع این نشست بوده و امیدواریم به نتایج ملموس و واقعی برسد.

وی اظهار داشت: در این جلسه هزار میلیارد تومان تسهیلات در قالب وام های کم بهر برای سرمایه‌گذاری و سینماسازی، تولید آثار سینمایی، حمایت از محصولات سینمایی، و بحث‌های حمایتی در زمینه معشیت و کارگشایی مشکلات خانواده سینما و ... درخواست کرده‌ایم.

فروش سینمای آمریکا در ۲۰۲۱ چگونه بود؟

با وجود بهبود نسبی شرایط سینما در سال ۲۰۲۱، فروش سالانه سینمای آمریکا همچنان ۶۱ درصد کمتر از دوران پیش از آغاز همه‌گیری کروناست.

به گزارش ایسنا به نقل از ورایتی، بر اساس برآورد اولیه منتشر شده از سوی کمپانی «Comscoe» که در زمینه تحلیل مالی بازار صنعت سرگرمی فعال است، فروش سالانه سینمای آمریکا تا آخرین روزهای دسامبر جاری به مجموع ۴.۴ میلیارد دلار رسیده که در مقایسه با آمار سال ۲۰۱۹ و پیش از آغاز همه‌گیری ویروس کرونا همچنان با کاهش ۶۱ درصدی رو به رو است.

آمار نهایی گیشه آمریکا در سال ۲۰۲۱ در چند روز مانده به پایان سال میلادی باز هم دستخوش تغییر خواهد شد اما رشد سریع افزایش آمار مبتلایان به سویه اُمیکرون ویروس کرونا می‌تواند با کاهش مخاطبان همراه باشد.

با وجود این که فروش سینمای آمریکا در سال ۲۰۲۱ با فیلم‌هایی ابرقهرمانی چون «مرد عنکبوتی: راهی به خانه نیست»، «بیوه سیاه» و قسمت جدید «انتقام‌جویان» با افزایش ۹۱ درصدی نسبت به ۲۰۲۰ (اوج همه‌گیری کرونا) همراه بوده است اما هنوز فاصله زیادی تا رسیدن به آمارهای مربوط به دوران پیش از کرونا دارد. در سال ۲۰۲۰ و در حالی که سینماها در اغلب مواقع تعطیل بودند و استودیوهای فیلمسازی آثار مهم خود را از برنامه اکران خارج کردند، گیشه سینمای آمریکا در نهایت فروش ۲.۲ میلیارد دلاری را رقم زد. در سال ۲۰۱۹ به لطف فروش فیلم‌هایی چون «انتقام جویان: آخر بازی»، «شیرشاه»، «داستان اسباب‌بازی ۴» درنهایت گیشه چشمگیر ۱۱.۳۹ میلیارد دلاری در آمریکا کسب شده بود. فیلم «مرد عنکبوتی: راهی به خانه نیست» با فروش ۴۶۷ میلیون دلاری پرفروش‌ترین فیلم سینمای آمریکا در ۲۰۲۱ بود و پس از آن فیلم‌های «شانگ-چی و افسانه ده حلقه» (۲۲۴ میلیون دلار)، «ونوم بگذارید کارنج بیاید» (۲۱۲ میلیون دلار) و «بیوه سیاه» (۱۸۳ میلیون دلار) قرار گرفتند.

فیلم‌های «داستان وست ساید» ساخته جدید «استیون اسپیلبرگ» و «آخرین دوئل» از «ریدلی اسکات» نیز به ترتیب تاکنون تنها به فروش ۲۳ و ۱۰ میلیون دلاری دست یافته‌اند.

«زمانی برای مُردن نیست» جدیدترین قسمت از سری «جیمز باند» با ۱۶۰ میلیون دلار، «سریع و خشن ۹» با ۱۷۳ میلیون دلار و قسمت دوم فیلم ترسناک «یک مکان آرام» نیز با ۱۶۰ میلیون دلار، از جمله دیگر آثار موفق در گیشه آمریکا در سال ۲۰۲۱ بودند.

بنی‌اسدی از نمایشگاه آثارش در گالری طراحان آزاد می‌گوید

قصه قالی‌ها

نمایشگاه آثار مرجان بنی اسدی با عنوان «روایت‌های در هم تنیده» در گالری طراحان آزاد برپاست. بنی اسدی در گفت و گو با هنرآنلاین با اشاره به اینکه در این مجموعه آثار نقاشی و سرامیک به نمایش در آمده است که در چهار سال اخیر شکل گرفته‌اند، گفت: من در دانشگاه ملی هنر پاکستان در رشته نقاشی تحصیل کردم و پس از آن فوق لیسانس سرامیک دیزاین را در مجارستان گذراندم.

بنی اسدی ادامه داد: زمانی که در پاکستان زندگی می‌کردم چند فرش در خانه داشتیم و با وجود این که از ایران دور بودم با دیدن این فرش‌ها احساس می‌کردم در ایران هستم. به نظرم فرش برای ما ایرانی‌ها یک عنصر ضروری زندگی است. روایت‌هایی در خود فرش وجود دارد و آدم‌هایی که روی آن می‌نشینند نیز هر کدام قصه و داستانی دارند. فرشی که پا می‌خورد و قدیمی می‌شود همه این داستان‌ها را در خود نگه می‌دارد.

بنی اسدی افزود: وقتی‌ایده نقاشی کردن با الهام از فرش به ذهنم رسید مدت طولانی با دقت به فرش‌های خانه نگاه می‌کردم و بعد تصاویر آن‌ها را به صورت ذهنی و تغییر یافته در کارهایم می‌آوردم. در نقاشی‌های اولیه فیگور انسان نیز وجود داشت اما کم‌کم حذف شدند و فقط به خود فرش پرداختم. پس از آن وقتی به مجارستان رفتم آنجا دیگر فرشی وجود نداشت و این نقوش از مقابل چشمانم رفته بودم، بنابراین کارهایم آبستره‌تر شد و طبیعت منطقه را به صورت ذهنی به کارهایم اضافه کردم، زیرا فرش‌های ایرانی نیز از طبیعت الهام گرفته‌اند و گل‌ها و گیاهان و حیوانات در آن‌ها دیده می‌شود. من هم سعی کردم از طبیعتی که می‌بینم الهام بگیرم و حس زمان و لحظه را در کارم ثبت کنم.

این هنرمند افزود: پروسه قالی‌بافی بسیار طولانی است و خانواده‌ای ممکن است یک سال در کنار هم مشغول بافت فرش باشند و هر گره می‌تواند ثانیه‌هایی باشد که آن‌ها ثبت کرده‌اند. بعد این فرش به خانه دیگران سفر می‌کند و در هر خانه داستان‌های دیگری به آن اضافه می‌شود. من هم سعی کردم داستان فرش‌ها را با داستان‌های شخصی خودم همراه کنم. درباره انتخاب رنگ کارها نیز محیط پیرامون بر من تأثیر زیادی داشت. سال‌هایی که در پاکستان بودم رنگ آثارم گرم‌تر بود و وقتی به مجارستان رفتم رنگ‌های که استفاده می‌کردم سردتر شدند. او درباره دلیل نمایش فرش‌های مندرس گفت: در این آثار گذار از سنت به مدرنیته را مد نظر داشتم و از بین رفتن سنت‌ها را نشان دادم. ما در دوران کودکی با فرش‌های لاکی زندگی کردیم اما امروزه چنین فرش‌هایی به ندرت دیده می‌شود و سلیقه جامعه هم در این تغییر مؤثر بوده است. در آثارم فرش‌های مستهلک و پوسیده را نمایش دادم که هرچند دیدن خرابی آن‌ها ناراحت‌کننده است اما باز هم می‌توانیم آن‌ها را به خاطرات قدیم خود پیوند دهیم.

نگاه

سینماتوگراف و اُتول و مشروطه ...

ساقی سلیمانی*

نمایش تصویر مصور مظفری به نویسندگی اصغر گروسی و کارگردانی وحید نفر در ایرانشهر بروی صحنه رفت. این نمایش ایرانی توانست خود را به میزانِ بالایی به استانداردهای یک نمایش ایرانیِ تمام و کمال نزدیک کند. در ابتدا آنچه مخاطب را با خود همراه می‌سازد موسیقی زنده اثر است که هم سبک اجراهای ایرانی را حفظ کرده و هم در هماهنگی با ریتم متنِ این نمایش بدون هیچ کمبودی ظاهر و شنیده شده است. گرچه آمبیانسِ صدایِ بازیگران در شروع نمایش و ریتم گفتار متنِ نمایش توسط بازیگران بهتر بود ربع پرده پائین بیاید اما در طول اجرا همین ریتم حفظ شده است و البته با در نظر گرفتنِ متن کار مشکلی هم بود که بازیگران از پس آن برآمده بودند.طراحی لباس و گریم و صحنه معقول بود و در واقع بارِ اثر را بر دوش اینها نگذاشته بودند. متن از ورود سینماتوگراف و بعد ماشین توسط مظفرالدین شاه به ایران شروع می‌شود و به صدور فرمان مظفری و مشروطه و سپس مرگ شاه منجر می‌شود.همین قالب مشخص و به اندازه از هوشمندی نویسنده می‌آمد، برشی مهم از تاثیر قاجار و خاصه مظفرالدین شاه را روایت کرده است.اما نقطه قوت این نویسنده در این بود که برعکس روال نمایش‌های ایرانی و یا کمدی‌های روز و یا سطح سلیقه مخاطب عام، از بردن طنز و کمدی به سوی شوخی‌های جنسی پرهیز کرده است.بازیگران با توانایی در زمینه متد اکتینگ و متن با طنازی به معنای واقعی توانسته بود مفرح باشد.نکته مهم دیگر این متن این بود که در قالب داستان و روایتِ خویش باقی اشکال نمایش ایرانی را هم معرفی می‌کرد از تعزیه تا سیاه بازی در لابلای این قصه جذاب به مخاطب معرفی شده بود. نکته بالا نشان می‌دهد این گروه و مخصوصا نویسنده برای این اثر پژوهش انجام داده است و آگاهی لازم را برای کاری که می‌خواهد انجام بدهد دارد. در شخصیت پردازی متن به نوبه خویش و کارگردانی و بازیگردانی به نوبه خویش شخصیت های پررنگِ داستان را به پختگی خوبی رساندند مظفرالدین شاه، ابراهیم خان عکاس‌باشی، اتابک اعظم و حتی مطربانی که در یک صحنه باید توانایی خود را نشان می‌دادند. در این متن به شکلی کاملا ظریف و نه آنقدری که به تکرارِ مخل برسد، گریز به اصطلاحات زمان حال زده شده و کمی باز هم با مخاطبان درون سالن تعامل ایجاد کرده است. برخوردهای فرمی در اجرای این نمایش یکی از درخشان ترین اتفاق‌ها بود. نمونه مثال اسلوموشن اجرا کردن و حتی در صدا آن را رعایت کردن، البته باز هم بسیار کم و به اندازه. رعایت جزئیات در زمانی که لحن نمایش به سمت شبیه خوانی رفت و آن ورقه های باریک و ستونی، اینها را مخاطب آگاه و کسی که سابقه پژوهش نمایش ایرانی و خاصه تعزیه داشته باشد بدون شک امتیازات ویژه این نمایش می‌داند. چندین برخورد سورئال و زیر متن‌های جذاب که از متن به بازی‌ها چفت و بست شده بود نشان از هماهنگیِ کامل اجزای این نمایش داشت.استفاده از زن‌پوش برای رساندن متن به برخورد های نقادانه بر علیه سانسور را همچنین می‌توان از برخوردهای فرمی و درخشان این نمایش دانست.البته نشان دادنِ سانسور در طول تاریخ این سرزمین. رساندنِ متن در میانه آن به این ماجراها و اینکه وجه دراماتیک اثر گره بخورد با تهدید و تحقیر ابراهیم خان را هوشمندانه دیدم.در مجموع نکات بسیار ظریف و طنازانه‌ای در این نمایش بود که می‌توان آن را اثر قابل دفاعی دانست. و در پایان نکته نگارنده این است که در سال‌های جاری گویا در تئاتر گروه‌های مختلف نسبت به هم جبهه غلطی دارند و نباید فراموش کنند اگر جریانی موفق و ماندگاری در تاریخ تئاتر ایران داشتیم که نامش کارگاهِ نمایش بود، دلیلش تعامل همه انواع نمایش در فضایی صمیمانه و آزاد بود که همواره درگیر پژوهش بودند و تا همچون تعاملی دوباره ایجاد نشود آثارِ ماندگاری همچون شهر قصه از دل تئاتر ما بیرون نخواهد آمد. شهر قصه مثالِ بارز و ماندگارِ این تعاملِ موفق و هوشمندانه بود. به امید آشتیِ بیشتر و آگاهی بیشتر.

*پژوهشگر و منتقد

اخبارکوتاه

نمایش «مهاجر» در جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه در فیلیپین

فیلم کوتاه «مهاجر» به نویسندگی و کارگردانی مرضیه ماندگاری در پنجمین حضور بین‌المللی خود، در هشتمین دوره فستیوال بین‌المللی فیلم BakunawaYounge Cinema در کشور فیلیپین به نمایش در می‌آید. این جشنواره برای تمامی ژانرها و یک فستیوال به همراه ورکشاپ هایی برای گردآمدن فیلمسازان است. فیلم کوتاه مهاجر همچنین در ادامه حضور بین‌المللی خود به زودی در جشنواره After life در آفریقای جنوبی نیز به نمایش در خواهد آمد. فیلم مهاجر پیش از این موفق به راهیابی و اکران در نوزدهمین جشنواره one shot ارمنستان، cinemagia ایتالیا و همچنین سی و هشتمین دوره جشنواره فیلم کوتاه تهران شده بود. مهاجر نخستین ساخته ماندگاری فیلمی مینیمال با فضایی سوررئال است که با رویکردی انسان دوستانه و در راستای ترویج صلح و دوستی و به شیوه سکانس پلان ساخته شده است.

شماره جدید «نگاه نو» منتشر شد

صدوسی‌و یکین شماره از مجله «نگاه نو» ویژه داستایفسکی منتشر شد. به گزارش ایسنا، بخش ویژه این شماره به «فیودور داستایفسکی» اختصاص دارد که با این مطالب همراه است: «درباره بخش ویژه این شماره»، «چرا هنوز باید داستایفسکی خواند؟» نوشته آبتین گلکار، «داستایفسکی: مولف به مثابه روان‌کاو» نوشته لوییس برِگِر با ترجمه سامان توکلی، «داستایفسکی و هنر نقاشی» از جمال عرب‌زاده، «مسئله «زن» در ادبیات روسی: داستایفسکی و تالستوی» نوشته زهرا محمدی، «تالستوی یا داستایفسکی» نوشته کوین هارتنت با ترجمه بهرام فرهنگ و «تأملاتی درباره برادران کارمازوف» نوشته کوین هارتنت با ترجمه صالح نجفی. «عبدالرزان قُورنه» نوشته وازریک درساهاکیان و «نوشتن (خطابه جایزه نوبل)»نوشته عبدالرزاق قورنه با ترجمه رضا رضایی در بخش «جایزه نوبل ادبیات ۲۰۲۱» درج شده‌اند. در بخش مقاله‌ها هم «سریال تشکیلات و دل‌مشغولی‌های ژئوپلتیک در ترکیه»(روایتی حماسی از فعالیت‌های سازمان اطلاعات ملی ترکیه) از نادر انتخابی، «ریشه‌های تاریخی بحران قراباغ» از سیروان خسروزاده، «از او و خرسندی‌ها و ناخرسندی‌هایش» (یادی از رضا شیخ‌الاسلامی، استاد سیاست و تاریخ در آکسفورد) نوشته عبدالحسین آذرنگ، «. بازگو حالی از آن خوش حال‌ها» (به فرخندگی هفتاد و پنجمین زادروز عبدالله کوثری) نوشته الوند بهاری و «مسئله سیمین و جلال» (ای کاش آل احمد هم از دانشور آموخته بود!) نوشته علی حصوری درج شده است. «فرار بزرگ» نوشته هلیما وولیتزر با ترجمه وازریک درساهاکیان و «بوفالو» نوشته کلاریس لیسپکتور با ترجمه عبدالله کوثری در بخش داستان‌های این شماره آمده است.

«دریازدگی» در خانه هنرمندان ایران

نمایش «دریازدگی» در تماشاخانه استاد انتظامی به روی صحنه می‌رود. به گزارش ایسنا، این اثر نمایشی به نویسندگی عباس جمالی و به کارگردانی امیرسپهر تقی‌لو از تاریخ نوزدهم دی ماه به صحنه خواهد رفت. در آستانه پیش‌فروش بلیت نمایش از پوستر آن نیز رونمایی شده است. آرش صفایی، کیمیا آهنگران ، نگار اکبری و مهران مرادی گروه بازیگران «دریازدگی» را تشکیل می‌دهند. همچنین سید عماد عامری، مجری طرح و محسن نجفی‌نیا به عنوان مدیرتولید این پروژه را همراهی می‌کنند. از دیگر عوامل نمایش می‌توان به شیدا زواری: طراح لباس، نیلوفر نقیب ساداتی و محمدرضا رحمتی: طراح نور، بهروز سیفی: طراح صدا و موسیقی، سجاد داغستانی: طراح پوستر و بروشور، ایمان یزدی: دستیار اول کارگردان و برنامه‌ریز، علیرضا عالی مقدم: دستیار دوم کارگردان، عسل اصفهانی: منشی صحنه، شروین حق‌پناه: مدیر صحنه، محمدصادق زرجویان و آرش رضایی: عکاس، امیرقالیچی (تئاتربازها) تبلیغات مجازی و الهه حاجی‌زاده: مشاور رسانه‌ای می‌توان اشاره کرد. این نمایش از نوزدهم دی تا هشتم بهمن ساعت ۱۸:۳۰ در تالار انتظامی خانه هنرمندان روی صحنه می‌رود و بلیت آن از طریق سایت تیوال به فروش می‌رسد.